دوماهنامه طبّ جنوب
پژوهشکده زیست- پزشکی خلیج فارس
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر
سال بیست و دوم، ویژه‌نامهٔ میراث پزشکی ایران، بهار ۱۳۹۸

Iran South Med J; Vol. 22 Supplement (1) Spring 2019

بررسی تطبیقی درمان یرقان در پزشکی سنتی ایران، در مناطقی از جنوب و شمال

مریم پهلوان شریف (MSc)[1*]، مریم عباسی (MSc)[1]

[1] پژوهشکده مردم‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری،تهران، ایران

چکیده

زمینه: یرقان یا زردی (Jaundice / Icterus) نوعی بیماری دستگاه گوارش و شکم است که با تغییر رنگ و زرد شدن پوست و سفیدی چشم بیمار همراه است. در پزشکی سنتی ایران، یرقان، نوعی اختلال کبدی و گونه‌ای بیماری صفراوی (آتشی) به شمار می‌رود که پزشکان قدیم آن را با تغییر رنگ بدن به زردی یا سیاهی توصیف می‌کردند. این بیماری در میان اقوام مختلف ایران با شیوه‌های مختلف سنتی (اعم از گیاهی و غیرگیاهی) مداوا می‌شود. هدف از این پژوهش شناخت روش‌های درمانی بیماری یرقان است که در دو منطقه شمالی و جنوبی ایران (آذربایجان غربی و هرمزگان) به کار می‌رفته است. همچنین این پژوهش درصدد است که از منظر تطبیقی، چگونگیِ درمان سنتی این بیماری را در دو منطقهٔ یادشده به روش میدانی و اسنادی بررسی کند.

مواد و روش‌ها: داده‌های تحقیق حاضر نتیجهٔ پژوهش‌های انسان‌شناختی و مبتنی بر کار میدانی (تکنیک مصاحبهٔ عمیق و مشاهده) و اسنادی و کتابخانه‌ای است؛ برای گردآوری این داده‌ها از همهٔ روش‌های تحقیق میدانی، اسنادی و کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. مصاحبه با ماهی‌فروشان به‌عنوان افراد آگاه بومی یکی از این روش‌ها بوده است.

یافته‌ها: از روزگار گذشته تاکنون، درمان بیماری‌ها به شیوهٔ سنتی یکی از شناخته‌شده‌ترین روش‌های مداوا در فرهنگ اقوام مختلف بوده است و با توجه به وسعت، غنا و تنوع فرهنگی- قومی ایران، درمان با شیوهٔ مذکور، جایگاه ویژه‌ای دارد. به طور کلی در کنار استفاده از گونه‌های دارویی مختلفی همچون «جرو»، هندوانهٔ زرد، «بولاغ اوتی»، میوهٔ خارشتر و چند گونهٔ گیاهی دیگر روش‌هایی چون تیغ زدن، استفاده از مهرهٔ زردرنگ، داغ کردن، خوراندن ماهی زنده به بیمار، بهره بردن از آب‌های معدنی و استفاده از فرآورده‌ای خاص از چند نوع ماهی («گین»، «طوطی ماهی» و غیره.) به‌عنوان تن‌شویه شایع‌ترین روش‌های درمانی یرقان در دو نقطهٔ مد نظر بودند.

نتیجه‌گیری: تنوع گسترده‌ای از روش‌های درمانی، گیاهان دارویی، فرآورده‌های دریایی و آیین‌های خاص شفابخشی در هر دو منطقهٔ جغرافیایی مورد پژوهش ثبت شده است. روش‌های متنوعی که در پزشکی سنتی یک منطقه وجود دارد، با تشابه فراوانی در مناطق دیگر نیز مشاهده می‌شوند. مطالعه پزشکی سنتی می‌تواند ضمن شناسایی این روش‌ها، تبادلات و تأثیرات فرهنگی میان اقوام ساکن در منطقه و مناطق دیگر را بازگو کند.

واژگان کلیدی: بیماری یرقان، درمان سنتی، دانش بومی، آذربایجان غربی، هرمزگان، گیاه

* تهران، پژوهشکده مردم‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری،تهران، ایران

Email: a_maryam1983@yahoo.com
*** ORCID: 0000-0002-8554-7472**

مقدمه

«دانش‌های بومی»[1] بخشی از سرمایه ملی هر قوم است که باورها، ارزش‌ها، روش‌ها، ابزارها و آگاهی‌های محلی آن‌ها را در برمی‌گیرد (۱). کشور وسیع ایران وارث بسیار قوی آیین‌ها و «دانش‌های بومی» و به دنبال آن شاخه‌هایی از دانش پزشکی است که نه از طریق کلاسیک، بلکه سینه‌به‌سینه از گذشتگان به نسل امروز انتقال یافته است. اگر فرهنگ را مجموعه‌ای از باورها، هنرها، قوانین، آداب و رسوم و عادت‌های انسان به‌عنوان عضوی از جامعه بدانیم، بنابراین دانش پزشکیِ مردمان هر فرهنگ نیز بخشی از آن خواهد بود. آمیختگی ناگسستنی و عمیقی میان باورهای موجود در سنن و آیین‌های آن فرهنگ وجود دارد که از آن با نام پزشکی سنتی نیز یاد می‌شود.

رفتاری که هر یک از انسان‌ها در مقابل بیماری از خود بروز می‌دهند در ارتباطی مستقیم با فرهنگ و نیروهای متعالی تعریف شده است. ازاین‌رو هر قومی بنا بر ویژگی‌های فرهنگی و نیز حافظهٔ فرهنگی و تاریخی خود روش سنتی خاصی را برای درمان بیماران به کار می‌برد. این روش‌ها از قرن‌ها پیش تاکنون سینه‌به‌سینه منتقل و حفظ شده است (۲).

هدف از این نوشتار، گردآوری و بررسی تطبیقی شیوهٔ سنتی درمان بیماری یا مرض «یرقان»، بر اساس دانش بومی در یکی از استان‌های شمالی کشور ایران (آذربایجان غربی) و یکی از استان‌های جنوبی (هرمزگان) است. در دو منطقهٔ نام‌برده، بیماری یرقان یا «زردی» با استفاده از روش‌های گیاهی و غیرگیاهی و به شیوه سنتی، مورد درمان قرار می‌گیرد. وجود پوشش گیاهی متنوع در این دو ناحیه استفاده از گیاهان مختلف و شیوه‌های متفاوتی را برای درمان این بیماری معرفی می‌کنند.

توجه به دانش بومی مردم در چگونگی استفاده از گیاهان در جنبه‌های مختلف زندگی، بخشی از میراث معنوی ایران‌زمین به شمار می‌رود. این دانش بسیار گسترده است و جنبه‌های متنوعی را در برمی‌گیرد. گیاه–مردم‌شناسی شاخه‌ای از حوزهٔ دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی است که آن را با نام «دانش سنتی»، «دانش قومی» علم مردمی، علم قومی، علم محلی، علم سنتی یا علم روستایی نام‌گذاری کرده‌اند (۳).

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر پژوهشی انسان‌شناختی است و در نتیجه بر کار میدانی و اسنادی مبتنی است؛ بنابراین بخشی از یافته‌های پژوهش بر اساس روش میدانی، تکنیک مصاحبهٔ عمیق و مشاهده است همچنین، برای گردآوری بخش دیگری از داده‌ها از روش اسنادی و کتابخانه‌ای نیز بهره گرفته شده است.

یافته‌ها و بحث

در استان‌های مورد بررسی، به‌محض مشاهده علائمی چون زردی پوست بدن و چشم‌ها، بی‌حالی، ضعف و سستی بیمار و تهوع، غلظت ادرار و زردی بیش از اندازهٔ رنگ آن، به وجود یرقان در فرد پی می‌برند. در استان آذربایجان غربی به یرقان، «سارئلیق» (sarilig) و در اصطلاح محلی نیز به آن، «زردویی» می‌گویند. بنا به تجربه علت آن راکم‌کاری و نارسایی کبد می‌دانند. این مردم بر این باورند که شوک و تحریکات عصبی مانند غم یا شادی بیش‌ازاندازه و یا شنیدن خبرهای غیرمنتظره و یا ترس‌های شدید باعث نارسایی کبد و در نهایت به

[1] Ethnoscience

یرقان منجر می‌شود. در استان هرمزگان نیز در اصطلاح محلی این بیماری با نام «زردوک» (zardok)، با همین علائم شناخته می‌شود و با شیوه‌های سنتی مردمان این منطقه مورد درمان قرار می‌گیرد (۴).

تیغ زدن: یکی از روش‌های درمان سنتی یرقان است که در دو استان فوق با استفاده از دانش بومی خاص به شیوه‌های زیر عمل می‌شود:

این روش درمان در شهر ارومیه و برخی از روستاهای آن بدین‌صورت است که به فردی مراجعه می‌کنند که در درمان یرقان از شهرت زیادی برخوردار است و از نقاط مختلف روستایی برای درمان نزد وی می‌آیند. طریقه درمان بدین‌صورت است که درمانگر (با همکاری دستیارانش؟) بیمار را روی صندلی می‌نشانند و پشت گوش او را با الکل می‌مالند تا بی‌حس شود و دستمالی به گردن بیمار می‌بندند و از دو طرف می‌کشند، به‌صورتی که خون در سر بیمار جمع می‌گردد و رنگ او کبود می‌شود. در این حالت گوش را برمی‌گردانند. در پشت گوش رگی می‌گذرد که در هنگام بروز یرقان رنگ آن به زرد متمایل می‌شود، در این هنگام رگ در اثر فشارخون که در اثر بستن دستمال به گردن ایجاد شده است متورم شده است.

سوزنی را نخ کرده و از پوست و زیر این رگ عبور می‌دهند و از آن می‌گذرانند به‌صورتی که پوست آن ناحیه روی نخ قرار می‌گیرد در این هنگام روی آن محل را تیغ کشیده و خون آن قسمت را روی نان یا قند می‌مالند و به خورد مریض می‌دهند و ناگهان می‌گویند «سارلیقین وردوم یدون» (sariliGin- verduim – yedun) یعنی «زردی‌ات را به ... دادم.» بیمار با شنیدن این حرف حالت چندش به او دست می‌دهد و شوکه می‌شود و از این طریق شوک اولی رفع می‌گردد و بیمار بهبود می‌یابد البته در مورد کودکان خردسال این عمل صورت نمی‌گیرد (۵). طبق اظهارات فرد درمانگر، این روش درمان را از پدر فراگرفته و پدرانشان هم از روس‌ها آموخته‌اند.

تیغ زدن در استان هرمزگان و برخی از شهرها و روستاهای آن نیز باید توسط فرد متبحّر در این زمینه انجام شود؛ اما روش آن به شکل دیگری است. شیوهٔ درمان به این صورت است که ابتدا دو گوش بیمار را آن‌قدر ماساژ می‌دهند تا به مرحله‌ای برسد که در وسط قرمزی لالهٔ گوش نقطهٔ زردرنگی مشاهده شود، بلافاصله آن دو نقطهٔ مشاهده شده در گوش‌ها را با سوزن سوراخ می‌کنند و قطره‌ای از خون گوش چپ را به چشم راست و قطره‌ای از خون گوش راست را به چشم چپ بیمار می‌چکانند، بر این باورند که بدین ترتیب یرقان رفع می‌شود (۶).

مهرهٔ زردرنگ: استفاده از این مهرهٔ زردرنگ، برای درمان یرقان در میان مردمان هر دو فرهنگ نام برده، بسیار رایج است؛ بدین‌صورت که در مناطقی از استان هرمزگان چون «گاومیری» این مهرهٔ معطر را بر گردن فرد بیمار می‌آویزند (۶). در شهر ارومیه نیز مهرهٔ زردرنگی را در آب داغ انداخته و بعد از مدتی آن آب را به مریض می‌خورانند. گاه نیز این مهره را در آب داغ گرم کرده به پیشانی بیمار می‌بندند و یا از گردن او آویزان می‌کنند. در شهرستان نقده مهره را به مچ دست چپ بیمار می‌بندند. «سپس بیمار باید هر چند دقیقه یک بار آن را به هم بمالد و بو کند تا بهبود یابد» (۷). این مهره همان کهربا یا مهرهٔ زردی است (۵).

داغ کردن: یکی دیگر از روش‌های مشترک درمان یرقان در این دو استان است. این روش بیشتر برای افرادی کاربرد دارد که این بیماری مدتی طولانی در بدنشان مانده باشد؛ ازاین‌رو نقاطی از بدن فرد بیمار را داغ می‌کنند؛ برای مثال در روستای «شیرین بلاق» در استان

آذربایجان غربی، با تیغ روی مفاصل بدن و گوش بیمار چند شکاف ریز ایجاد می‌کنند سپس با پنجهٔ گرگ محل شکاف‌ها را داغ می‌کنند (۸). در روستای «چاه سرمه» در استان هرمزگان، هفت نقطه از بدن را داغ می‌کنند (۶). در برخی از نقاط هرمزگان نیز روی مچ دست بیمار را با حلقهٔ دستهٔ قیچی که روی آتش داغ کرده‌اند، داغ می‌کنند (۷).

خوردن ماهی زنده کوچک: در دو منطقهٔ مورد بررسی، یکی از روش‌های درمان بیماری یرقان، بلعیدن ماهی به‌صورت زنده است. بر اساس این باور که ماهی در معدهٔ اثرات بیماری را خنثی می‌کند و عفونت و چرک کبد را از میان می‌برد؛ چون عارضهٔ یرقان به کبد بیمار آسیب رسانده است. این روش درمان که در میان اکثر فرهنگ اقوام ایرانی مورد استفاده قرار می‌گیرد، از روش‌های مشترک درمان این بیماری در دو استان آذربایجان غربی و هرمزگان نیز به شمار می‌آید.

درمان‌های گیاهی یرقان در هرمزگان: برای مداوای یرقان تخم‌مرغ و زردچوبه را با هم مخلوط کرده و روزی سه مرتبه به بیمار می‌خورانند. گاه نیز گیاهی به نام «جِرو» (jeru) را می‌پزند، از صافی رد می‌کنند و با آب آن بدن بیمار را شستشو می‌دهند (۶). در روستای «مغویه»، گل ختمی و هستهٔ زردآلو را جداگانه در آب می‌خیسانند و هر صبح به‌صورت ناشتا به بیمار می‌خورانند (۶). همچنین خاکشیر را با آب شسته و به‌صورت ولرم به بیمار می‌خورانند. گاه نیز عرق نعنا را به‌صورت سرد، همراه با عرق شاه‌تره و یا شربت تخم ریحان به بیمار می‌خورانند. برگ درخت «کُنار» را می‌کوبند و آب آن را گرفته و به بیمار می‌خورانند (۹).

درمان‌های گیاهی یرقان در آذربایجان غربی: در این اقلیم میوهٔ «هندوانه زرد» را به مریض می‌خورانند. در ارومیه این هندوانه از نظر درمان برای بیماری یرقان معروف است که آن را نافع یرقان می‌دانند؛ گاهی هم آب هندوانه زرد را به بیمار می‌خورانند. این هندوانه پوستی خالدار دارد و داخل این میوه یعنی قسمت آبدار آن زردرنگ است (۵). همچنین یک قاشق از بذر خاکشیر را در آب سرد ریخته و با شکر شیرین می‌کنند و روزی دو بار به مریض می‌خورانند؛ بر این باورند که خاصیت خاکشیر سردی است و تب را کاهش می‌دهد (۵).

برای درمان یرقان گیاه «بولاغاوتی» را به‌صورت خام مصرف می‌کنند. همچنین میوهٔ گیاه خارشتر را در آب جوشانده و وقتی لعاب‌دار شد، برای دفع عفونت یا چرک کبد و درمان یرقان به فرد می‌خورانند. گاهی نیز عرق این گیاه را می‌گیرند و جوشانده میوه خارشتر را روزی دو بار استفاده می‌کنند. برگ گیاه «خُرفه» را که طبیعتی سرد دارد، می‌کوبند و آب آن را به مریض می‌خورانند.

سایر درمان‌های غیرگیاهی در هرمزگان: برای درمان یرقان در هرمزگان به مدت سه روز لای انگشتان دست و پای فرد را محکم فشار می‌دهند. نیز ماهی پخته به فرد می‌خورانند. همچنین یک نوع ماهی به نام «موتو» (motto) را همراه با فلفل فراوان سرخ می‌کنند و به بیمار می‌دهند. این ماهی در اصل به نام «آنچوی» شناخته شده که با نام «موتو» هم در منطقه مشهور است و در غذاهای محلی استفاده می‌شود. خشک‌شده‌اش را می‌توان به‌راحتی در بازار تهیه کرد. این ماهی یکی از گونه‌های ماهیان سطح‌زی آب‌های خلیج‌فارس است که اندازهٔ کوچک و ریزی دارد. «موتو» را بعد از صید روی شن و ماسهٔ کنار ساحل دریا زیر نور مستقیم خورشید پهن کرده و خشک می‌کنند. پس از خشک و تمیز کردن آن را کاملاً می‌کوبند و آسیاب می‌کنند. (مصاحبه با آقای جواد حمزه‌ای، یکی از ماهی‌فروشان بازار قشم)

گاه برای مداوای زردی به بدن بیمار ماست می‌مالند و یا ماست و دوغ ترش به او می‌خورانند. گاه نیز دود

اسپند و آویشن را به تن و بدن بیمار می‌رسانند (۱۰).
راه دیگر درمان یرقان این است که هفت یا هشت نوع ماهی به نام «گین» یا «طوطی ماهی» به وزن ۴۰۰ گرم را پاک کرده و در دیگی می‌جوشانند. سپس بیمار را در یک سینی یا تشت می‌نشانند و او را با این ماهی می‌شویند. این کار سه بار انجام می‌شود (۹).

سایر درمان‌های غیرگیاهی در استان آذربایجان غربی: در آذربایجان غربی برای درمان زردی روغن حیوانی زردرنگ را با زردچوبه مخلوط کرده و به بیمار می‌خورانند؛ گاه نیز بیمار را وا می‌دارند در صبح خیلی زود در آب بسیار خنک رودخانه راه برود تا حالش بهبود یابد.

یکی دیگر از روش‌های تقریباً منسوخ‌شده در استان آذربایجان غربی، نگاه کردن فرد بیمار به ماهی درون کاسه است. به این باور که زردی از بیمار به چشمان ماهی منتقل شده و بدین ترتیب ماهی در دم جان می‌سپارد.

آذربایجان غربی، از لحاظ آب‌های معدنی غنی است، در نواحی مختلف آن انواع چشمه‌های معدنی آب گرم و سرد وجود دارد. مردم به اثر درمانی برخی از آن‌ها باور دارند؛ استفاده از آب‌های معدنی به‌عنوان آب‌درمانی در این اقلیم رایج است. برای درمان یرقان خوردن آب برخی از چشمه‌ها چون: چشمهٔ «دسته دره»، در ۲۹ کیلومتری شمال غربی خوی؛ چشمهٔ «میناس»، در ۱۶ کیلومتری جنوب شرقی سلماس؛ چشمهٔ «هفتابه»، در ۵۰ کیلومتری جنوب غربی ارومیه، کاربرد درمانی دارد (۴).

نتیجه‌گیری

چنانکه در ابتدا یاد شد؛ «دانش بومی» دانشی است محلی که از تأثیر متقابل میان مردم و محیط برمی‌خیزد (۱)؛ بنابراین «دانش بومی» به‌عنوان شاخه‌ای از علم مردم‌شناسی اهمیت ویژه‌ای دارد. این دانش ارزشمند از دیرباز و به‌تدریج بر اساس نیاز گروه‌های اولیه انسانی برای تطابق با محیط‌زیست و حفظ و تداوم زندگی انسان شکل گرفته و تکامل یافته است. ویلسون هرمان[۲]، متفکر برجستهٔ آمریکایی در مورد فرهنگ و دانش اقوام گوناگون می‌نویسد: «فرهنگ اقوام سنتی جهان قرن‌ها پایدار مانده است چون با شرایط آنان سازگار بوده و با تجربهٔ انسانی آنان در چنین شرایطی تأیید و تحکیم شده است» (۱۱).

بر این اساس می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که بیماری پدیده‌ای است زیستی و درعین‌حال اجتماعی؛ از نظر زیستی با نوع تطابق انسان با محیط در ارتباط است ولی از نظر اجتماعی دربردارندهٔ یک سری معانی خاص، باورها، ارزش‌ها، تفکرات، روابط، رفتارها و عملکردهایی است که به اعضای یک گروه اجازه می‌دهد تا به تشخیص و معرفی انواع بیماری‌ها بپردازند و در نهایت در چهارچوب فرهنگی خویش به مقابله با آن برخیزند و از امکانات موجود، برای از میان بردن آن استفاده کنند.

این مطالعه نشان می‌دهد که پزشکی سنتی از سویی به‌عنوان جزئی از کل به نام فرهنگ، با سایر اجزاء فرهنگ جامعه از قبیل نوع تغذیه، معیشت، باورها، سنن، آداب‌ورسوم و غیره. در ارتباط نزدیکی قرار دارد؛ و از سوی دیگر تعداد زیادی از روش‌ها که در پزشکی سنتی یک منطقه اجرا می‌شود، با تشابه فراوانی در مناطق دیگر نیز اجرا می‌گردند. مطالعه بر روی پزشکی سنتی می‌تواند ضمن شناسایی این روش‌ها، تبادلات و تأثیرات فرهنگی میان اقوام ساکن در منطقه و مناطق دیگر را بازگو کند.

[۲] Wilson Herman

تضاد منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References:

1.Shamse Ardakani MR. Gozari bar Daneshe Pezeshkiye Mardomiye Iran Zamin; Golestan va Damavand, Tehran: Sahba-ye Danesh, Daneshgahe Oloume Pezeshkiye Tehran, 2011, 27. (Persian)

2.Maghsoudi M. Zanane Darmangare Torkamman Sahra. Tehran: Darmangar, 2006, 52. (Persian)

3.Avatefi H. Barresiye Daneshe Roustayian dar Zamineye Manabe'e Tabi'i, Motale'eye Mowredi: Roustaye Chatin [Payan Nameh]. Tehran Univ., 2006, 9. (Persian)

4.Daryanavard GH. Simaye Bandare Genaveh dar Haft 'Ayineh. Tehran: Hirmand Publication, 1998, 244-46. (Persian)

5.Majidi Khamene F. Barresiye Tebbe Sonnati dar Shahrestane Oroumiyeh (Negahe Mardom Shenasi) [Payan-Nameh]. Tehran Univ., 1995, 200-201.

6.Hassani HR. Mardom Negariye Shahrestane Bandare Lenge va Bastak. Report, Archive of the Research Institute of Cultural Heritage & Tourism, 2003, 454. (Persian)

7.Afshare Sistani I. The Iranian's Traditional Medicine Contain. Tehran: Rozaneh, 1991, 659. (Persian)

8.Aliakbar Zadeh S, Spehr Far H. Mardom Negariye Shahrestane Naghadeh. Report, Archive of the Research Institute of Cultural Heritage & Tourism, 1994, 5. (Persian)

9.Afshare Sistani I. Shenakhte Ostane Hormozgan. Tehran: Hirmand Publication, 2000, 351. (Persian)

10.Falsafi Mayab A, et al. Mardom Negariye Shahrestane Qeshm. Report, Archive of the Research Institute of Cultural Heritage & Tourism, 2000, 271. (Persian)

11.Abbasi E. Towse'eye Mardom Shenasi va Mardom Shenasiye Towse'e. Namayeye Pazhouhesh, (4) 11-2. (Persian)

Original Article

Comparative Study of Jaundice Treatment in Traditional Medicine of Iran, in Some Areas of South and North

M. Pahlavan- Sharif ***(MSc)***[1 *]***, M. Abassi*** ***(MSc)***[1]

[1] ***Institute of Anthropology, Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Tehran, Iran***

Abstract

Background: Icterus / Jaundice is a type of gastrointestinal and abdominal disorder that is associated with a change in color and yellowish of the patient's skin and eyes. In terms of traditional Iranian medicine, jaundice is a liver dysfunction and a type of biliary atashi disease, which ancient physicians described as a yellowish or black coloration of the body. The disease is treated among different ethnic groups in Iran in various traditional ways (both herbal and non- herbal). The purpose of this study was to find out the therapeutic methods of Icterus disease that has been used in the northern and southern regions of Iran (West Azarbaijan and Hormozgan). The research also seeks to examine the traditional way of treating the disease in the two mentioned regions using fieldwork and documentation methods in a comparative perspective.

Materials and Methods: The data of the present research is the result of anthropological researches based on fieldwork (in-depth interview and observation technique) and documentary based and library research methods. To collect these data, all of the field study, documentary based and library research methods have been used. Interview with the fishermen as indigenous people has been one of these methods.

Results: Since ancient times, traditional treatment of diseases has been one of the most well-known methods of treatment in different ethnic cultures. Considering the extent, richness and cultural-ethnic diversity of Iran, treatment with this method has a special place. In general, along with the use of various medicinal species such as jaru, yellow Watermelon, bulagh uti, camel's thorn fruit and some other herbal species, methods such as scarifying, using a yellow bead, cauterizing, giving the patient live fish, using mineral water, and use of certain products derived from several types of fish (Gin, Parrot fish etc.) as tan shuye (body cleaner), were considered the most common treatments for jaundice in both regions.

Conclusion: A wide variety of therapeutic methods, herbs (botanical / herbal medicine), marine products and healing rituals has been recorded in both geographic regions. Various methods found in traditional medicine of a region are also found in other areas with many similarities. A study on traditional medicine can identify these methods, exchanges and cultural effects among people living in the region and elsewhere.

Keywords: Jaundice Disease, Traditional treatment, Indigenous Knowledge, West Azarbaijan, Hormozgan, Plant

[*]*Address for correspondence*: Institute of Anthropology, Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Tehran, Iran. Email: a_maryam1983@yahoo.com
* ORCID: 0000-0002-8554-7472